



مهر و خوار عمر بن عمر

سلام و درود بر سر پادشاهان است. آرزو به لندن کرده ام. نامه ترا که همراه ده نامه دیگر در یکی مهر و کتاب سینه در رویم
 اول می خوانم تا بعد از آنها بخوانم و ما سینه بنویسم. از این که برای چاپ شعرم تلاش می کنی، تشکر می کنم. نوشته ای با
 زینت است مردارید حرف زده ای و کلمات نامه لازم است. من این نامه مادامی چون قانون مطبوعات است و چند ماه پیش
 نوشته ییدی. اما موضوعی که مرا از دادن و کلمات نامه باز داشت، زینت و سینه عمومی که هم می باشد که مرا بسیار ناراحت کرد،
 و شما خودم با بیاد آن ترا و شاید او را نیز ناراحت کنم. اما از روی دگرگونی است تو به این فکر بنفشی که شاید نتوانسته ام
 و کلمات نامه بفرستم. سرفه از این قرار است که کتابی علی اکبر مدعی، پس از مدتی آگهی در اینجا و انجام کلیه کارها
 که در است، محویم یا بهتر بگویم گزیده کلیات مرا که خود را شاید بود یا چه دستور می دهی. جمع کرده ای که همراه و کلمات نامه ای
 به نام دی ازین گرفت و قول داده، محض درود به تهران برای چاپ آن تمام خواهد کرد. پس از ده ماه که خبرها از و است
 نایت نامه تلخ گله آمیزی به من نوشت (برای خوب بدی است؟) و گفت در مورد شماره و نسخه ای نخواهد کرد. من نامه اش
 را به این پس فرستادم و خودم هم و کلمات نامه را به من بفرستد تا به دگرگونی بدم. چون به دو نفر می شود و کلمات دارد. بهرمان
 نام و شان چیست ماه است که در این میان می خیزد تمام و اینکه دلم برای دلوان تمام که حاصل عمری نوشته ام هم باشد
 شود می رند و این سینه خلیج ناراحت کرده است. من می توانم به تو دوست دیرین و سینه می با و ناما به کتابی
 عبدالصمدی حروفی بزرگوار بر خاله ام که آنقدر انسان هرمان و توبه دیرین است. این کار را او اندازم و بگویم بر روی
 نام من به آنگاه علی اکبر هم (طیال) در تمام و در تهران به من ضعیف صحبت کرده بود. این رفتارش مرا ناراحت کرد
 بلکه پیرم هر دو را که نیز مال واقعه من و ایشان و خائن بود بسیار ناراحت و تسبیح کرد که منضم
 و کلمات به هر حال، خواش می کنم، تو سزا و کلمات نامه را از نام من از کتاب سینه می گوی و کلمات نامه را برام نوشت
 تا دیگر من به نام تو بفرستم و خود را هم با درایت رسید می شود به انتهای کتاب سینه که به شرط اینکه با برای چاپ آنها
 طبق قرارداد اقدام کند تا اسعار را تمام و کمال پس بدید. اگر آنگاه شود چاپ کرد در لندن و آنگاه، انانان
 حافظند می کار را به عهده بگیرند. آنها دلم می خواهد در این چاپ شود و ما زنده ام خودم آنرا اصلاح کنم و به دست
 حوزندگان بیام. البته اینها یک پنجم اسعار من نیستند که بقیه را فعلا نمی شود و تسبیح است.
 چون شعر تازه اسعار دارم و بعضی آن اسعار را درست و اصلاح کرده ام. بجا است اگر عنوان شود یا نه
 محویم را پیش از آن اسعار برای تجدید نظر به من می فرستادید. از بر آمدن می که در این باره خواهم کرد، قبلاً
 نکرده ام. سلام گرم و فرزندان به بدر را که خودم به فرزندان و خانواده در آن. با فریبار عمر بن عمر
 هستم. حاشا خوب است. پیر دگرگونی هم که کتابخانه زینت عانت مرد دگرگونی و لازم جدا شوند، حالا
 در لندن است و مهر را در تهران بر سر می گذارم. این هم از این ...

خوب علامه فاضل عمر بن عمر زینت نامه و خط زیبا تر است و کلمات
 راه

بر روی خودتان